

صراط

سیری در اندیشه

هر چند اسلام مالکیت فردی و شخصی را در سرمایه‌های طبیعی و صناعی نمی‌پذیرد و مالکیت را در این امور عمومی می‌داند، ولی اسلام مالکیت اشتراکی را نیز نمی‌پذیرد، یعنی طرفدار این اصل نیست که «کار به قدر استعداد و خرج به قدر احتیاج». نمی‌گوید همه ملزمنند که کار کنند و محصول الزاماً به اجتماع تعلق دارد. اری، افراد می‌توانند بالاشتراک کار کنند و کار اشتراکی انتخاب کنند، همان طوری که زارعین در قدیم بالاشتراک کار می‌کردند و روی حساب معین که مثلاً دهقان چقدر ببرد

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه

سیری در اندیشه استاد شهیدمر تفضی مطهری(ره)

مرز اسلام و سوسیالیسم

و سالار چقدر و گاو چقدر، آکر خز زراعت را میان خودشان تقسیم می‌کردند؛ یا چند نفر بالاشتراک دیمه کاری یا گوسفندداری می‌کردند. اما مردم ملزم نیستند که هر کسی به قدر استعداد کار کند و به قدر احتیاج محصول بردارد. پس آن مقدار از سوسیالیسم از نظر منطق و از نظر اسلام قابل توجیه است که قسمتی از سرمایه‌ها یعنی سرمایه‌های عمومی بالاشتراک باشد و اما کار بالاشتراک را که الزامی و اجباری باشد هیچ‌گونه نمی‌توان از اسلام استنباط کرد مگر اینکه در موارد خاصی یعنی در زمین‌های عمومی یا کارخانه‌های

اسلام بر خلاف مارکسیسم عدالت محور است

نگاهی اجمالی به مشترکات ظاهری و تفاوت‌های بنیادین پارادایم اسلام و سوسیالیسم



تحلیل

ناصر تبرایی*

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

اندیشه

اندیشه ۸۸۹۸۴۷۱

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

عمومی طوری باشد که کار فردی میسر نباشد؛ و تازه اگر هم این طور باشد نه چنین است که مالکیت فردی در کار نیست، بلکه محصول بالکسویه یا بالتفاوت طبق قرار داد میانشان تقسیم می‌شود و هر فردی مالک فردی سهم خود خواهد بود. پس اگر مشخص اصلی سوسیالیسم را اشتراک سرمایه بدانیم اسلام یک مسلک اشتراکی است و اگر مشخص اصلی آن را اشتراک کار بدانیم، اسلام، اسلام یک مسلک اشتراکی نیست.

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

درد

بلندگوهای لیبرالیسم وطنی چرا به اموات ایدئولوژیک لگد می‌زنند!؟

دشمن فرضی در «جنبش شتری»